

قانون اساسی باید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند

مردم خواهان دستگیری و اعدام قاتلان و نداد ایمانی شدند (در صفحه ۸)

کد

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیمت ۱۰ ریال

کارگران مبارز چاپخانه یادگاران را مضروب و بازداشت کردند

● مهاجمین کارگران را با قنداق تفنگ می زدند و به آنها فحش می دادند در این حال کارگران چاپخانه با روحیه ای عالی دستهای خود را به هم گره کرده و شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر ارتجاع» می دادند.

در چهارمین روز محاصره کارگران و اعضای هیات تحریریه روزنامه «آیندگان» در چاپخانه این روزنامه، پاسداران مسلح بمصلحتن یورش برزند و آنان را مورد ضرب و جرح قرار داده، سپس عمدهای از آنها را بازداشت کردند.

کارگران و نویسندگان آیندگان از نخستین ساعات اشغال آیندگان، در محل چاپخانه باقی ماندند و مقاومت در مقابل عوامل سنیه چپان شد آزادی پرداختند و باین ترتیب به بازداشت ۱۵ تن از همکاران خود وتوقیف روزنامه اعتراض کردند.

اما توسط کارگران که هیچصدای حقیقتی را خوش ندارند، تاب این محسن را نداشتند و خواستند بهر نحو آرا متوقف کنند و عملاً به شکل وحشیانه ای منثور خود را انجام دادند. آنها ابتدا مانع ورود کسانی که از محل محسن خارج شده بودند شدند. سپس عمدهای از اوپاش جاقوکی را با اطراف چاپخانه فرستادند تا مترسین را بترسانند که پس از دستگیری یکی از جاقوکیان بمت یکی از کارگران و ناشای این نقشه پلید و بیشرمانه توسط غشی شد. بالاخره روز جمعه طاقت تفنگ بستان تمام شد و همراهمندای غیر مسلح بمصلحت محسن رفتند و خواستار خروج کارگران و کارکنان روزنامه آیندگان شدند. اما وقتی با مقاومت آنان روبرو شدند بقیه در صفحه ۳

کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز مدیران کارخانه را بیرون انداختند و شورای منتخب کارگران اداره کارخانه را بدست گرفت

چندی پیش کارگران انقلابی کارخانه تراکتور سازی تبریز دست بکاری پس بزرگ زدند که در تاریخ کارخانه های ایران بی نظیر است. آنها مدیران را از کارخانه بیرون راندند



اخلالگران به دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق و دفتر پیشگام ارومیه حمله کردند و اموال آنها را به غارت بردند

دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق و دفتر پیشگام ارومیه حمله کردند و اموال آنها را به غارت بردند. روز جمعه ۱۹ مرداد، به تحریک ملاحظاتی دفتر هواداران سازمان و همچنین دفتر دانشجویان پیشگام توسط عمدهای مرتجع و ناآگاه به آتش کشیده شد، همه کتابفروشی حمله شد و ستن با جاقو زخمی شدند. روز چهارشنبه گذشته، بعد از راهپیمایی که بمخالفات با راهپیمایی ارتشها در ارومیه برگزار شد، به چند کتابفروشی و دکه روزنامه فروشی حمله می شود و روز جمعه، ملاحظاتی که هنوز توسط عمدهای خود را کامل نمی بیند، به حربه وحشیانه ای متوسل می شود و می گوید خون کمونیستها حلال است و بعد از نماز باید دفتر کمونیستها آتش زده شود. ملاحظاتی می گوید که در ارومیه باید کتابهای کمونیستی و روزنامه کمونیستی فروخته شود. بعد از نماز جماعت، حدود ساعت ۳ بعد از ظهر، چند اتومبیل سواری و وانت مقابل

نقش دولت و سرمایه داران در گرانی و افزایش قیمت ها

ما در شماره ۱۵ نشریه علل گرانی و تورم را در جامه سرمایه داری وابسته ایران مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که متناهی و سرچشمه گرانی و افزایش قیمت کالاها و خدمات را بطور کلی در جوامع سرمایه داری باید در سودجویی و حرص و ولع سرمایه داران جستجو نمود. اکنون از زاویه دیگری باین مسئله نگاه می کنیم. بهران عبیق و عمومی اقتصادی - سیاسی که منجر به قیام بهمن ماه شد حاکمیت جدیدی را بجای حاکمیت قدیم نشاند. انحصارات و صاحبان سرمایه که از قبل خطر بزرگ حاکمیت خلق را بر سرنوشته خویش دریافته بودند، در شرایط جدید، کوشیدند تا از هر کاری جهت حفظ منافع نارتکرانه خود فروگذار ننمایند. میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان به اشکال مختلف و برای مدت نسبتاً طولانی، بقیه در صفحه ۳

با وجود حمایت نماینده وزارت کار از کارفرما و همه توطئه های دیگر شورای کارگران مبارز شرکت نفت پارس اراده خود را تحمیل کرد

● پاسخ یکی از کارگران به کارفرما (فرمانفرمایان): در این ۲۵ سال بر سر ما چه آورده اند جز اینکه ما همایش پیرتر و بدبخت تر شدیم به همایمان نان هم ندارند بخورند و در عوض، دوتا ویلی شما شش تا شد و شش تا کتلتا. بیکان شما شد کادیلاک و همینطور بگرو پرو تا آخر. ● نامه کارگران به نخست وزیر برای همیشه بی جواب می ماند و لسی تلگراف کارفرما (فرمانفرمایان) به نخست وزیر، خیلی سریع پاسخ گفتمی شود. ● کارگران وقتی فهمیدند که دولت کاری برایشان انجام نمی دهد، نتیجه می گیرند که تنها خودشان هستند که باید دست بکار شوند و با اتحاد و همبستگی مبارزاتشان را پیش ببرند. ● شورای کارخانه با سندیکای مشترک شرکت نفت تماس می گیرد، مجمع عمومی تشکیل می شود و شورا فروش محصولات پالایشگاه را به هم می گرد. در صفحه ۲

حمله به آزادی مطبوعات حمله به همه آزادیها و حمله به ثمرات مبارزات مردم است

با حمله بمطبوعات می خواهند مردم را از ماهیت مجلس خبرگان، قلبهای انتخاباتی و محتوای قانون اساسی بی خبر نگهدارند. سرانجام تهاجم سریع و مستقیم به آزادی های مردم طی سالها مبارزه و دو سال نبرد خوبتر به دست آورده اند، آغاز شد. البته از همان نخستین روزهای پس از قیام (و حتی پیش از قیام) دارو مستعاضی تحریک شده برای سرکوب آزادیها و جلوگیری از ادامه مبارزات ضد امپریالیستی مردم به این سو و آن سو فرستاده می شدند، اما از آنجا که این اعمال را کافی ندیده اند، سریعاً و مستقیماً وارد عمل شده و در نخستین تهاجم سریع و آشکار خود به اشغال سلجانه چاپخانه و تعطیل روزنامهها اقدام کرده اند. روزنامهها را به این دلیل که صاحبان فراری چاپخانه و روزنامه، سرپرده صهیونیسم و سازمان سیا بوده اند اشغال و تعطیل کرده اند، اما خبر کودکی می دادند که همه گردانندگان و صاحب امتیازان روزنامهها در رژیم گذشته اگر نشیات آنها برای منشی طولانی دوام آوردند بدون استثناء سرپرده امپریالیسم بودند و باز هر کس می دادند که حساب کارگران و کارکنان روزنامهها همیشه از حساب زداندن و نوکران سرپرده امپریالیسم جدا بود، جدا است و جدا خواهد بود. کارگران مبارز و بسیاری از کارکنان و نویسندگان آزادیخواه روزنامه آیندگان بیرون ریختند و خود اداره روزنامه را به دست گرفته و آنرا در مسیر مبارزات خلقهای شکنج ایران قرار دادند. این حقیقت را همه خلقهای آگاه ایران میدانند. بنابراین انگیزه حمله مستقیم بمطبوعات را که مقدمه حمله مستقیم و آشکار به همه آزادیها و همه ثمرات انقلاب مردم ایران است، باید در جای دیگری جستجو کنیم. بدون تردید آنها که نمی خواهند در مسیر مصالح و منافع مردم قدم بردارند، آنها که خواستار هیچ گونه دگرگونی اساسی و زیربنایی در جامه ایران نیستند، آنها که نه به تودمهای متشکن ایران بلکه به سرمایه داری و حماقت سرکوب آن یعنی ارتش تکیه کرده اند آنها که می خواهند نگذارند خلقهای متشکن ما زنجیرهای اسارت امپریالیسم و سرمایه داری بقیه در صفحه ۳

پاسخی کوتاه به تحریکات «راديو تلویزیون انحصاری»

تلویزیون قطب زاده و خود قطب زاده بسی اعتبار از آنجا که بتواند مردم را بیش از این گول بزند. دشمنی قطب زاده و امتثال او از لفظ قیام تا به امروز لفظای هم انقلاب بقیه در صفحه ۲

تاریخچه و منشأ روزیونیسیم در جنبش کمونیستی (۴) تئوری سوسیال امپریالیزم انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۴) در صفحه ۵

«نشریه کار» دوشنبه و پنجشنبه منتشر می شود

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اخبار کارگری

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



نامه يك نفتگر:

ما سالهاست داریم زحمت می کشیم ولی در جواب فقط حرف شنیده ایم و عمل ندیده ایم

این ندامت یک کارگر که بیش از ۳۰ سال در بهترین نقطه پالایشگاه آبادان کار می کند است.
من یک کارگری هستم و می خواهم جواب آقای داریوش فروهر را راجع به سفرهای خود در خوزستان بهم بفرستد این جواب منم است. در وضع ما کارگران طبقه محرومی گنارند ولی باز بگذارید عقیده خود را بیرون بریزم عقیده ای که سالهاست بدولت ما کارگران همینطور بارور شده است همین سخنان و وعده هایی که آقای داریوش فروهر به کارگران می دهد پنج سال پیش همین وعده ها را حکومت استبدادی صمد رضا پالایی بخورد ما کارگران می دادیم. من ندانم آقای داریوش فروهر خوشی را کول می زند یا کارگران را نهم حساب می کند ما کارگران کاملاً داریوش فروهرها را می شناسیم. آقای داریوش فروهر که الان تنگک اسلام و مرد انقلابی را به سینه می زند امثال تو زیاد بودند و هستند و ما فریب این قیافه های بظاهر انسانی و انقلابی ولی در باطن ضد اسلامی و ضد انقلابی را نمی خوریم ما کارگران باید چند سده با شما که گول امثال تو بخورد را بخوریم شما در مساجد خود می گوید کار بیشتر بکنید بنظر بیشترت ملکت خود ما سالهاست بنظر

آزادی بیشتر داشته باشیم ولی متأسفانه محروم تر از همیشه شدیم آقای فروهر سلاح برنده کارگر تشکل است و با این سلاح می توانیم از حق پایمال شده خود دفاع کنیم کارگری که ۳۰ سال کار می کند هنوز در ماه ۳۰۰۰ تومان هم حقوق نمی گیرد ولی متأسفانه یک نفر که ۵ یا ۶ سال سابقه کار دارد و با یک مدرک دیپلم و هیچ تجربه کاری هم ندارد در ماه ۶ یا ۷ هزار تومان حقوق می گیرد ولی کار را چه کسی انجام می دهد همان کارگری که سی سال است عمر خود را با این وسایل سرسام آور پس می برد شما پس نیلتور از سواست نمی زید بنده اگر باین حقوق بخوام بازشت بوم فردا چطور با این هزینه زندگی شکم زن و بچه هایم را سیر کنم من هنوز یک منزل از خود ندارم شما چطور می خواهید ما را همینطور فریب بدهید اقبالها و انصاری ما هم همین کاری که الان شما دارید می کنید پس ما می آورند اکثریت طبقه کارگر ماهیت شما را میدانند راستی مگر قرار نبود پول یک روز کشتی نفت را برای قافه کارگران به حسابشان بریزید پس این چی شد بهجیب کدامیک از انقلابی بناها رفت چرا تا الان یکی از حرفهایان درست از آب در نیامد است چرا هنوز می خواهید با اینکارهای عوامفریبانه به کفایت کارهایتان ادامه بدهید.
با تقدیم احترامات
اسم محفوظ باشد

فرزند يك کارگر آتش گرفت

یکی از اطافهای سیار (حمل بار) که بعنوان خانه مسکونی توسط صنایع نظامی به کارگران داده شده است آتش گرفت و فرزند یک کارگر سوخت

پیش از ظهر روز سه شنبه پانزدهم مرداد هر چند ماهه یک کارگر صنایع نظامی بواسطه آتش گرفتن یک «کانتینر» آری تیوی که خانه آنها بود سوخت.
آتش سوزی به علت اتصال برق در بدنه آلومینیومی کانتینر بوجود آمد. اتصال زمانی پیش آمد که مادر کودک دوشاخه ضبط صوت را در پرز زد و ناگهان «خانه» آتش گرفت. دو کودک دیگر خانواده که توانائی راه رفتن داشتند، نجات یافتند و مادر که خود شدت وحشت زده شده بود نتوانست مهدی را نجات دهد. دستگاههای آتش نشانی که شرکت صنایع نظامی در اختیار ساکنان کانتینر هایش قرار داده بود، بواسطه کهنه بودن و فاسد شدن موادی که از پیش نبرد و فقط کمک کارکنان شرکتی که در نزدیکی محل کانتینر ها قرار دارند موجب خاموشی آن و سرایت نکردن آن به دیگر کانتینرها شد.
هنگام واقعه پس از آن، اهالی بنده ششگین و ناراحت بودند. آنها می گفتند: از چهار سال پیش که ما بتدریج در شرکت استخدام شدیم، شرکت این کانتینرها را بجای خانه برای سکونت به ما داده است. از همان موقع تاکنون هم مرتب به ما قول دادن خانه می دهد، اما هنوز از خانه خبری نیست.
همسری یکی از کارگران می گفت: داین بار اول نیست که این خانه آتش می گیرد. تا حالا چند تا از اینها آتش گرفته قبلاً زود سوزی قشیه را هم آوردند و نمی گذاشتند کسی خبر شود. اگر اینها زود خاموش نشود، آتش به بقیه هم سرایت می کند و همه چیز را میسوزاند.
«آدم جرات نمی کند گاز روشن کند.»
این بار اول نیست که این خانواده چهار چنین مصیبتی می شوند و بی شک، اگر فکری بحال آنها نشود، اگر بزودی آپارتمانهای خالی سرماهداران غارگر فراری و غیر فراری، در اختیار کانتینر نشینها، قوطی آبدی، حله آبها و کیرلینها گذاشت نشود، بار آخر هم نخواهد بود. بدون شک این زحمتکاران، با روشی که دولت کنونی در مورد مسکن دارد نخواهند توانست صاحب خانه شوند. دولت وام خرید خانه می پردازد، اما به چه گسائی؟ به آنها که بتوانند ۳۰ درصد بهای خانه را خود بپردازند. کارگری که فقط حدود دو هزار تومان - کمی بیشتر یا کمتر- حقوق می گیرد، با چند سر عائله چگونه می تواند از عهده پرداخت ۳۰ درصد بهای خانه برآید؟ مشکل مسکن کارگران و زحمتکاران کی و چگونه حل خواهد شد؟

کارگران مبارز چاپخانه یادگاران را مضروب و بازداشت...

این تمامی ماجرا بود و بقول حکماری «همچیز بسادگی انجام شد». واقعا برای آنها چقدر ساده بود که ما را از خانه ما بیرون کنند و دوستان را بازداشت نمایند. وچقدر ساده تاریخ را دوباره برایشان تکرار کردند، هنوز چندماه از واقعه قبلی نمی گذرد: از هاری آمد سرکار. و این غلام حلقه بگوش امیریکا، اولین شریکها را به مطبوعات زد و ساخت پاک خانه ما را بوجود تفتقهایش آلوده کرد. نیمه شب چکدو پنهان به چاپخانه ما حمله کردند تا به خیال خود صدای ملت طالب آزادی را خفه کنند و دیدیم که چند، دیدیم که چگونه صدای این ملت قهرمان از نیمه های پنهان و آشکار به فریاد تبدیل شد و طومار ظلم این دشمنان خلق را دردم نوردید.
ما آرزو را از یاد نبردیم. دیروز را نیز از یاد نخواهیم برد فقط آنچه ما را به توفیق و امانی دارد تنه این دو «روز» است. اینکه چکدو پنهان می گفتند در «صحنه» آینه کارکنان عناصر انقلابی و وطن فروش وجود دارند امیریکا، عادی بود. اما نسبت به همین اتهامات از سوی «برادران» مسلح به نویسندگان کارگران متهدی که در سیاه ترین روزهای حکومت نظامی دوش به دوش ملت قهرمان مبارزه کردند بنظر غرورآمیز می آمد. فرمانده افراد مسلح مرتب پنجا می گفت که حقوق کارگران محفوظ است اما حتما نماند است آن حقوقی که ما کارگران می شناسیم با آنچه که او می گوید. تا چند تفاوت دارد هرگز به نهنش نمی رسید که این هم حق ما است که در محل کارمان مسون از هر نوع تعرض باشیم. حق کار کردن از حقوق ماست و نمی توان به آن متعرض شد. آنچه به نهنده ترین شکل و با کمک افراد مسلح، کارگر به حقوق خود کاملاً آشناس و حقوق دیگران را نیز می شناسد و می داند که نباید حکماتان تحریری ما را حین کار توقیف و به نقطه نامطلومی منتقل نمایند؛ کارگر می داند که آزادی نشر افکار هم از حقوق بسیار مهم هر جامعه آزاد است. آشنائی با تمام این حقوق است که

شروع بزدن آنان کردند. آنان یکی از خبرنگاران را که به چاقی قلبی داشت با تفتق تنگ کک زند و تنها زمانی دست از آزار او برداشتند که بدنش گیج شده بود.
متخصصین که دستهای ضعیف را گرفته بودند با فریاد: «الله اکبر»، «مرگ بر ارتجاع» و «درد بر آزادی» بمقاومت در برابر مهاجمین برداشتند. مهاجمین به یکبار کارگران که نماز می خواند حمله کردند و با مشت و لگد به جان او افتادند.
آخر سر، ۳۳ نفر از متخصصین را که کک خورد و مجروح بودند، سوار مینی بوس کرده با خود بردند. سر یکی از آنان شکافته و بینی دیگری شکسته بود. همای دیگری نیز از چاپخانه بیرون انداختند.
کارگران و نویسندگان آینه کارکنان که از تشکل خوبی برخوردارند هنگامی که بوسله پاسداران از محل چاپخانه خارج می شدند با فریاد «ارتجاع ناپود است» و «مرگ بر آمریکا» اعتراض خود را نسبت به این عمل وحشیانه ابراز داشتند.
کارگران و نویسندگان «آینه کارکنان» طبعی چهار روز مسجون شده به بیابانه منتظر کردند که یک هفته آن در اینجا چاپ شده است.

بیانیه اعتراضی کارگران مبارز چاپخانه یادگاران (آینه کارکنان)

ملت مبارز ایران درگرمای کار نیمه روزی بودیم که ناگهان این غیر در چاپخانه پویید: «افراد مسلح چاپخانه را محاصره کرده اند». بلافاصله بعد از تماس با محاصره کنندگان معلوم شد جنات تحریه روزنامه آینه کارکنان نیز بنسروقت مسا دچار شده است و تمامی دوستان در مجل کارخان منوع النروج شده اند. مشول افسراد مسلح حلت این امر را مدارک و اسنادی ذکر کرد که قدمت داستانی انقلاب افتاده است، دال بر اینکه: اموال این موسسه «طاعونی» است. وی با عنوان کردن همین علت به کارگران - ما - فرمان داد چاپخانه را ترک کنند. اما این حرکت با واکنش سخت کارگران که می گفتند جاضر پتوک «خانه» خود نیستند روبرو شد. افراد مسلح پس از روبرو شدن با عکس العمل کارگران ماشینهای چاپخانه را بهر و دم کردند و کارگران نیز در محل چاپخانه دست بهمین زدند. در چنین حال ما مطلع شدیم که سیزده تن از همکاران تحریه و ادارای ما نیز بازداشت شده اند که هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی نداریم.

دانشجویان ایرانی در خارج پلیس آلمان را محکوم می کنند

بقیه از صفحه ۸
۳- انتشار لیست اسامی کلیه جاسوسان و عناصر وابسته به سازمان امنیت در خارج از کشور همراه با اسناد و مدارک موجود.
۴- خواست تحویل جاسوسان و عناصر وابسته به ساواک به مقامات مشول ایران از طرف دولت آلمان.
۵- عدم تسدید پاسپورتهای جاسوسان و عناصر وابسته به ساواک نایندگان دولت ایران در خارج از ایران.
لازم بتذکر است اعتراض ما به رسانه های گروهی دولتی نیز میباشد. این رسانه ها رابطه با رویدادهای آلمان در روزهای گذشته جریانی را با نام کنفدراسیون مردم ایران معرفی کردند که سالهاست از جنبش مترقی دانشجویان ایرانی طرد شده است. این جریان (GIB) که بدنبال سیاست جمهوری تودهای چین از سیاستهای شاه در اوک پشیمانیا کرده و نقش او را در منطقه نقش ضد امپریالیستی میدانست و در ماههای اخیر به پشیمانیا از عناصر خائنی چون پشیمانیا بدو مدت زیادی است که از کنفدراسیون اخراج شده و هیچ اجازه ای برای استفاده از نام پشیمانیا کنفدراسیون ندارد. بنابراین ما خواهان تصحیح این امر از طرف رسانه های گروهی دولتی بوده و مزار خواستار قرائت این بیانیه بمنظور روشتر کردن افکار عمومی نسبت به این جریان اصرافی از طرف همان رسانه ها میباشد.
کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

اخلاقگران به دفتر هواداران سازمان...

بقیه از صفحه ۱
در این میان، اداره آتش نشانی که در فاصله نزدیکی از دفتر واقع است پس از ۳۵ دقیقه از شروع آتش سوزی ماشینهای خود را بمسئل فرستاد. همچنین سرهنگفرمانی، رئیس پلیس ارومیه (در مساجه با «پامداد» - شماره ۸۵، ۲۵ مرداد) اظهار داشت است که بوسله مامور گشت از حادثه اطلاع یافته و «با حضور در محل با اقدام انجام شدائی و بروه» شده است.
تجریکات جلوی دفتر بیشتر بوسله عده ای عناصر شناخته شده که همیشه در اینگونه جریانات شرکت دارند انجام می گرفت. ویکنفر در جلوی دفتر میخواست از صحنه عکس بگیرد که دوربیش بوسله همین افراد ضبط به آتش کشیدند.

سه کارگروناظر بر انتخابات خرمشهر دستگیر شدند

خرمشهر - ۳ تن از نمایندگان کارگران شرکت ایران ترمینال بهاسامی عبدالنیردیس محمد حسینی و حسین کیب الهی در جریان رای گیری روز جمعه ۱۲/۵/۵۸ خرمشهر بوسله افراد کمیته دستگیر و زندانی شدند که بعنوان اعتراض به این عمل غیرقانونی دست بهاعتصاب غذا زدند.
این ۳ نفر که بدخواست کارگران اداره

بند، نظارت بر صندوق رای گیری را بهمه شرکت ایران ترمینال بهاسامی عبدالنیردیس محمد حسینی و حسین کیب الهی در جریان رای گیری روز جمعه ۱۲/۵/۵۸ خرمشهر بوسله افراد کمیته دستگیر و زندانی شدند که بعنوان اعتراض به این عمل غیرقانونی دست بهاعتصاب غذا زدند.
این ۳ نفر که بدخواست کارگران اداره

بند، نظارت بر صندوق رای گیری را بهمه شرکت ایران ترمینال بهاسامی عبدالنیردیس محمد حسینی و حسین کیب الهی در جریان رای گیری روز جمعه ۱۲/۵/۵۸ خرمشهر بوسله افراد کمیته دستگیر و زندانی شدند که بعنوان اعتراض به این عمل غیرقانونی دست بهاعتصاب غذا زدند.
این ۳ نفر که بدخواست کارگران اداره

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

با وجود حمایت نماینده وزارت کار از کارفرما و همه توطئه‌های دیگر شورای کارگران مبارز شرکت نفت پارس اراده خود را تحمیل کرد

تعداد کارگران و کارمندان ۵۰۳ نفر
مقامداران قبلی شرکت: کمیته شل ۲۵ درصد
سازمان گذر ۴۴٫۵ درصد
حاج حسین غیانی ۶۶ درصد (فراری)

کمیته ای.تی.تی (I.T.T.) با نام
صالحه عدریه
سیروس فرمانفرمایان (۴۵ درصد
آی.تی.تی هم شریک است) ۳۵ درصد



شرکت نفت را در نقاط مختلف پالایشگاه نصب می‌کنند و روی یکبارجه بزرگ می‌نویسند «شرکت ملی نفت ایران، پالایشگاه کرج». همچنین متن نامه شورا به نخست‌وزیر و وزارت کار تحویل روزنامه‌ها می‌شود. (در نامه اخطار شد که کارگران مانع فروش محصولات شدند و درخواست کردند که نماینده دولت جهت نظارت اعزام گردد).

در همان روز دو نفر از نمایندگان بشیرت نفت میروند تا جریان را دنبال کنند. صاحبدار شرکت نفت ادعا می‌کند که شرکت نفت پارس طبق مدارک در دو ماهه اول سال شرف داشته است (مدارک توسط فرمانفرمایان به وی ارائه شده بوده است). نمایندگان میگویند مدارک تقلبی است و در رد آن توضیح میدهند که بعضی از تولید در قوطی‌هایی که علامت شرکت شل را دارند در انبار مانده است و فروخته نشده است و آمارش هم در لیست فروش نیست. در اینجا نماینده شرکت نفت که در غل می در انتکالتراشی نموده است خلع سلاح می‌شود. و از این به بعد کارفرما (فرمانفرمایان) به این در و آن در می‌زند تا بلکه از ملی شدن جلوگیری کند. به همین خاطر تلگرامی به بازرگان می‌زند و دوباره بر حسب اغلاک به کارگران شورا می‌زند و دولت را تهدید می‌کند که کار ما را یکسره کنید از طرف دیگر عواملش بکار می‌افتند و مدیر عامل قصد دارد که از خرید ظروف (جهت پرکردن محصول) سرازرند. کارگران این توطئه را خنثی می‌کنند و به او اخطار می‌کنند که حداکثر ظرف یک هفته باید قرارداد خرید ظروف تجدید شود و الا دیگر او را به دفتر مرکزی راه نمیدهند. فردای آروز قرار می‌شود که قرارداد تجدید شود. از طرفی مدیر عامل برای آزمون بردن اتحاد بین کارگران و کارمندان به کارمندان می‌گوید که اگر بشیرت نفت ملحق شوید حقوقتان کم می‌شود که این هم با افتخاری کارگران بیون نتیجه می‌ماند.

کریه که برای وارد آوردن فشار بنیاد و سایر ارگانها، فروش محصولات پالایشگاه را خود به خود می‌کنند. به این ترتیب کم‌کم زمزمه در دست گرفتن فروش محصولات در میان کارگران اوج می‌گیرد و زمینه اجرای این امر با فعالیت انقلابی کارگران فعال آماده می‌گردد. مجمع عمومی تشکیل می‌شود و نمایندگان آنچه را که تا به امروز گذشته، برای کارگران توضیح میدهند و کارکنی دولت را در پیوستن بشیرت نفت مطرح می‌کنند. همچنین متذکر می‌شوند که فرمانفرمایان می‌خواهد پالایشگاه را جابو کند و بعد تحویل دولت بدهد. چند نفر از کارگران پارگری به شورا می‌گویند اگر جلو فروش را بگیرند ما خوبان می‌گیریم این گفته برای دیگر کارگران پالایشگاه نیز مطرح می‌شود. قرار می‌شود که اول تیر حقوق پرداخت شود و بعد جلو فروش گرفته شود.

نتیجه می‌شود که در حقیقت به‌خواست اصلی کارگران که همانا پیوستن بشیرت ملی نفت است توجیهی نشده است و در نامه فقط ذکر شده است: «کارگران از شرایط رفاهی خود و از نحوه رفتار شرکت نفت پارس اظهار شکایت نموده‌اند» کارگران با وزیر کار درخواست ملاقات می‌کنند، عملاً با بهانه اینکه در مسافرت است و تا یکماه فرصت ملاقات ندارد به‌خواست کارگران توجیهی نمی‌شود. کارگران کاملاً بی‌میرند که دست وزارت کار در دست سرمایه‌داری است چون شل و فرمانفرمایان قرار دارند. و بدون نتیجه از وزارت کار خارج می‌شوند (از نکات جالب توجه این است که نامه کارگران به نخست‌وزیری بدون جواب می‌ماند و هیچ اقدامی نمی‌شود در صورتیکه چند روز قبل که فرمانفرمایان تلگرامی به‌نصت وزیر می‌زند تا کارگران مبارز را اغلاک و خرابکار معرفی کنند نخست وزیر خیلی سریع تلگرامی به وزارت کار می‌زند و مصرا می‌خواهد که قضیه دنبال شود و نتیجه بوی اطلاع داده شود. این است (حمایت) دولت از کارگران و «مبارزه» با کارفرمایان!)

در این مرحله کارگران می‌فهمند که مقامات بالا در عمل کاری برای کارگران انجام نمی‌دهند و نتیجه می‌گیرند که تنها خوبان هستند که باید با اتحاد و هبستگی امر ملی شدن پالایشگاه را به پیش ببرند. و از طریق فشار دولت، او را مجبور به‌صلى ساختن درخواست کارگران نمایند. شورای پالایشگاه با سندیکای مشترک شرکت نفت تماس می‌گیرد و پس از آن مسائل را از طریق سندیکای مشترک در رابطه با شرکت نفت دنبال می‌کند. شورا تصمیم می‌گیرد که برای وارد آوردن فشار بنیاد و سایر ارگانها، فروش محصولات پالایشگاه را خود به خود می‌کنند. به این ترتیب کم‌کم زمزمه در دست گرفتن فروش محصولات در میان کارگران اوج می‌گیرد و زمینه اجرای این امر با فعالیت انقلابی کارگران فعال آماده می‌گردد. مجمع عمومی تشکیل می‌شود و نمایندگان آنچه را که تا به امروز گذشته، برای کارگران توضیح میدهند و کارکنی دولت را در پیوستن بشیرت نفت مطرح می‌کنند. همچنین متذکر می‌شوند که فرمانفرمایان می‌خواهد پالایشگاه را جابو کند و بعد تحویل دولت بدهد. چند نفر از کارگران پارگری به شورا می‌گویند اگر جلو فروش را بگیرند ما خوبان می‌گیریم این گفته برای دیگر کارگران پالایشگاه نیز مطرح می‌شود. قرار می‌شود که اول تیر حقوق پرداخت شود و بعد جلو فروش گرفته شود.

پس از قیام شکوهند خلق‌های ایران، کارگران آگاه شرکت نفت پارس نیز ملنصب دیگر کارگران آگاه و پیشرو، شمار شورا را مطرح می‌سازند و آن را تبلیغ می‌کنند. طبعاً تبلیغات منفی و کارکنی‌های کارفرما شورا تشکیل می‌شود. و کارگران فعال کارخانه، که سابق مبارزاتی قابل توجهی داشته‌اند، بنیادینکی شورا برگزیده می‌شوند و شورای مرکب از ۷ کمیته برای رسیدگی به مسائل مختلف کارگری تشکیل می‌گردد. با توجه به زمینه‌سازانه‌ای که وجود داشت، شورا مسئله اخراج کارکنان خارجی را مطرح می‌کند و در همین رابطه به تبلیغ علیه کمیته شل می‌پردازد. شورا دیگر خواسته‌های کارگران را نیز مطرح می‌کند و رسیدن به آنها را در برنامه کار خود قرار می‌دهد. این خواسته عبارت بودند از: اضافه حقوق، حق مسکن، کم کردن کارمزد وام کارگری تا ۲۰ درصد، تعیین محلی برای تشکیل جلسات شورا و غیره. اعضا شورا پس از شروع بکار و بنیادینکی کارخانه و نظر دولت (که پشتیبانی از آنها نبود)، اکثریت خواسته‌های حق خود را کنار می‌گذارند و اولین حرکت خود را برای گرفتن حق مسکن، این است. در همین رابطه شورا کارگران را تشویق می‌کند. روزی بیست و نه اردیبهشت مسئله را به مدیر عامل می‌گویند. ۲ روز مهلت می‌خواهد. جلسه روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت با شرکت نمایندگان کارگران و مدیرعامل (علی نادر) تشکیل می‌شود. مدیرعامل که نیش چهره‌ات در دست است و حتی نطق جناب بازرگان را شنیده بوده است در مقابل خواست منفی کارگران مقاومت می‌کند و جواب رد می‌دهد (توضیح آنکه در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت نخست‌وزیر به‌شوراهای کارگران هشدار داد که در امور کارخانه دخالت نکنند و ما بکارفرمایان در مورد حمایت دولت از آنها اطمینان داد). کارگران میزان هزینه مسکن را کم می‌کنند ولی بازهم مدیر عامل با کمال وقاحت نمی‌بخشد.

درینجا لازم است توضیح بدهیم که درین حرکت کارگران یک نکته مثبت و یک نکته منفی وجود دارد: نکته مثبت ارزیابی نسبتاً دقیق اوضاع و احوال کارخانه است. که درین رابطه موقتا خواسته‌های دیگر کارکنان گذارند و به‌غورترین آن هزینه مسکن بود. می‌دانند تا بتوانند با متراکم کردن همه نیروی خود روی آن، حق خود را بگیرند. ولی نکته منفی آنجاست که کارگران در مقابل مقاومت مدیر عامل ضعیف می‌نشینند و مقدار هزینه مسکن را کم می‌کنند. این کار باعث می‌شود که مدیر عامل جلوتر بیاید و فکر کند که اگر مقاومت بیشتری بکند کارگران عواصه خود را باز هم پانینتر خواهند آورد. در صورتیکه کارگران باید قبل از شروع هر مبارزه با حرکتی نیروی خود و دشمن را بسنجند و امکان عملی شدن آن خواسته‌ها را نیز دقیقاً تعیین کنند تا در ضمن مبارزه مجبور به ضعیف‌نشینی نشوند. بحث و مجادله بی‌سن کارگران و مدیرعامل ادامه پیدا می‌کند و حتی به‌گیری هم می‌کند. در شن یکی از این به‌شما مدیر عامل ادعا می‌کند که شرکت ضرر می‌کند و به‌بیین دلیل نمی‌تواند هزینه مسکن را افزایش بدهد. یکی از کارگران جواب می‌دهد: «۱۸ سال است ما ضرر می‌کنیم، یکسال هم شما ضرر بکنید». یکی دیگر از کارگران می‌گوید: «من وقتیکه باین پالایشگاه آمدم، تانک روغن اندازه یک لیوان بود و گریس‌سازی اندازه یک فنجان. حالا پالایشگاه باین بزرگی را از کیا آورده‌اند».

بنیاد این جریان سیروس فرمانفرمایان تلگرامی به‌نصت‌وزیر می‌زند و در آنجا جزایات حق طلبانه کارگران را حرکت دهه‌ای سابقه فرود اغلاک و وامیود می‌کند و از پس از طرح شرف در مجمع عمومی کارگران، نامه‌ای به‌ضنوان رهبری انقلاب نوشته می‌شود و در آن خواسته‌های کارگران (ما انتظار داریم که اولاً: دستهای خون‌آشام بشیرت انگلیسی شل را از روی سر ما بردارند) و خیانت‌های کارفرما را توضیح میدهند و همه کارگران و بیشتر کارمندان آنرا امضاء می‌کنند و خواستار الحاق بشیرت ملی نفت می‌گردند. عین چنین طسوماری را به‌نصت وزیر، شرکت ملی نفت (تیره) و دکتر آیت‌الله طالقانی می‌فرستند. در این مرحله اکثریت این مراجع یا قضیه را پشت گوش می‌اندازند و یا سعی در اشکال تراشی می‌کنند. دکتر امام و نخست‌وزیر جریان امر را به وزارت کار ارجاع می‌کنند و عملاً قضیه را از سرخود باز می‌کنند. نماینده وزارت کار (صدوقی) می‌گوید: مسئله علی شدن به‌جا مربوط نیست و بشیرت نفت مربوط است. کارگران سؤال می‌کنند پس وزارت کار برای چیست؟ صدوقی تنها جوابی که می‌دهد اینست که ما برای کارفرما نامه‌ای نوشته‌ایم. کارگران از نامه بی‌اطلاع بوده‌اند و اعتراض می‌کنند که چرا رونوشت نامه به کارگران داده نشده است. هنگامی که کارگران متن نامه را می‌خوانند،

سرانجام در اثر مبارزات قاطع و پیگیر کارگران شرکت نفت، ۲ نماینده جهت کنترل و نظارت به پالایشگاه اعزام می‌شوند و می‌شود که اعزام نماینده به‌نصت در دست گرفتن پالایشگاه نفت پارس توسط شرکت نفت نیست و کارگران باید چنین خیالی بکنند! روز شنبه ۲۱ اردیبهشت یک نفر به‌نصت‌وزیر از طرف وزارت صنایع برای نظارت به کارخانه اعزام می‌گردد و از شورای پالایشگاه می‌خواهد دلالی محکمه پسند در مورد طاقوی بودن و کارکنی کارفرما ارائه کند. تا بتواند بانکها آنها فروش را در دست گرفت (جناب عیالت دارد، کارفرما، فرمانفرمایان متصور است، یکی از شرکاء غیانی فراری است، خول جها‌بغیراز شل در پالایشگاه سهم است، تمامی کارگران و کارمندان مسخا بارنارضایتی خود را نشان داده‌اند و پشتیبانی کامل خود را از سلی شدن اعلام نکرده‌اند و غیره و غیره... تازه نماینده دولت انقلابی از کارگران دلایل «محکمه پسند» می‌خواهد) هر حال کارگران چندین مورد سوء استفاده شرکت را با مدارک لازم نشان می‌دهند و دلایل کافی را ارائه می‌دهند تا دولتی که خود را انقلابی نمیداند بناچار، یکمک دلایل «محکمه پسند» اعمال اراده کارگران را قانونی کند!

پاسخی کوتاه به تحریکات «راديو-تلویزیون انحصاری»

بقیه از صفحه ۱

گویند هر دو فیلم ضبط شده را به‌ترتیبی که ضبط کرده‌اند نمایش دهند تا به‌خود مردم قنאות کنند.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که مردم مبارز و آگاه ایران و نیروهای انقلابی مردم حساب کارگران و کارمندان مبارز رادیو تلویزیون را از حساب قطب‌زادها و امثال او جدا می‌کنند و می‌دانند که وقتی به‌مانسورها و حوامفریبهای نفاق افکنانه تلویزیون نظاره می‌کنند از زبان دولتی که خود را انقلابی حرف می‌زند.

در پایان ما توجه‌مانندگان، رفقا و دوستان را به‌صفتان رفیق مصطفی مدنی که در جریان فعالیت انتخاباتی از زاید و پیش شد جلب می‌کنیم. او گفت که رادیو-تلویزیون به زودی توطئه بر علیه نیروهای انقلابی بزرگ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را آغاز خواهد کرد و دیدیم که بلافاصله پس از انتخابات ناجوانردانه‌ترین سبهای ما و دروغ‌پردازها شروع شد.

بردهای حوامفریبانه و همچنین خدمتسی با گروههای فلاتر برضاریم و از مواج‌شویی که تاکنون این افعال برای مردم ما داشته است حرف بزنیم. اینها را دیگر امروز همه مردم آگاه ما می‌دانند.

قطب‌زاده همین چند شب پیش در تلویزیون انحصاری خود اعلام داشت که کوسیتها لباس روحانیون را پوشیده‌اند و با این لباس به‌صدام زنانه رفته، شکم زن حامله را دیده و سرچین را بریده‌اند، آیا واقعا این گونه حرفهای بی‌شماره که بدون تردید هرکس یک جو عقل داشته باشد باور نمی‌کند، جواب دارد! آیا باید به هر دروغ مبتذل و بی‌مقداری پاسخ داد؟ مردم آگاه ما خود بهتر از هر کسی ماهیت این گونه حوامفریبها را درها سالت که می‌شناسند. البته این قبیل حوامفریبها-ها ممکن است ناآگاهترین و ساده‌لوح‌ترین آنها را برده‌اند و این برعهده مردم آگاه ما است برعهده عناصر مبارز است که با حوصله و فراغت عناصر ناآگاه را مطلع کنند و ماهیت

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر



تاریخچه و منشاء رویزیونیسم در جنبش کمونیستی (۴)

جنگهای داخلی پایان گرفت، دولت شوروی بنای ساختمان رویزیونیسم را آغاز کرد و سیاست خارجی خود را بهجهانیان اعلام نمود. دولت جوان شوروی در حالی سیاست خارجی خود را اعلام می کرد که برای تحکیم مواضع خود و انجام اصلاحات فوری و پدیداری بنای رویزیونیسم بیش از هر چیز به صلح با دولتهای امریالیستی و کشورهای همسایه نیاز داشت.

یکی از جنبه های سیاست اعلام شده شوروی همزیستی مسالمت آمیز بود. دولت شوروی اعلام کرد که مایل است با همه دولتهای جهان که در امور شوروی دخالت نداشته باشند روابط مسالمت آمیز برقرار کند. اما لنین بخوبی می دانست و تأکید می کرد که امریالیسم

در مقاله گذشته از ماهیت رویزیونیستی «نار مسالمت آمیز» و «راه پارلمانی» صحبت کردیم. در این شماره دیدگاه رویزیونیستهای مصلحت را در خصوص «همزیستی مسالمت آمیز» بررسی می کنیم. حمایت از جنبشهای انقلابی پروتاریای سوسیالیستی در کشورهای پیشرفته و پشتیبانی از جنبشهای دموکراتیک و انقلابی در تمام کشورهای بطور اعم و در کشورهای مستعمره و وابسته بطور اخص «مضمون اصلی سیاست بین المللی حزب ما است.» (لنین، «پیش نویس برنامه حزب برای هفتمین کنگره حزب بلشویک»)

تئوری «سوسیال امپریالیسم» انحراف از مارکسیسم - لنینیسم است (۴)

در این شماره دیدگاه کسانی که «انباشت» را با «سرمایه داری» برابر می گیرند مورد بحث قرار می دهیم. در دهه ۱۹۳۰ که بنای صنایع سنگین شوروی ریخته می شد، رویزیونیستها (مقصود حسان رهبران سوسیال دموکراسی است) که سالها بود نظریه «گذار مسالمت آمیز و پارلمانی» را تبلیغ می کردند با خوشحالی مدعی شدند که دلیل دیگری برای اثبات نظریات خویش پیدا کرده اند. این دلیل چه بود؟ تلاش روسیه شوروی در جهت تراکم و توسعه صنایع و وسایل مولد و آهنک سریع صنعتی شدن در دهه ۱۹۳۰ برای مدتی کوتاه به این آئین سطح زندگی مردم روسیه انجامید.

پیش از یک میلیارد تن از خلقهای مستبدانه مستعمرات بردولتهای امریالیستی سال به سال، ماه به ماه و هفته به هفته فرونی می گردید. بنا بر این به روشنی می بینیم که لنین قبل از هر چیز، دلیل عدم حمله امریالیستها به دولتهای سوسیالیستی را تشدید تضادهای میان امریالیستها و نیاززده روزافزون کارگران و خلقهای زیر سلطه جهان با امریالیسم دانست نه چیز دیگر.

● بطور کلی چه لنین و چه دیگر رهبران حزب بلشویک سیاست همزیستی مسالمت آمیز را برای هموار کردن راه انترناسیونالیسم و پیروزی کارگران و خلقهای جهان می خواستند

پس از یک میلیارد تن از خلقهای مستبدانه مستعمرات بردولتهای امریالیستی سال به سال، ماه به ماه و هفته به هفته فرونی می گردید. بنا بر این به روشنی می بینیم که لنین قبل از هر چیز، دلیل عدم حمله امریالیستها به دولتهای سوسیالیستی را تشدید تضادهای میان امریالیستها و نیاززده روزافزون کارگران و خلقهای زیر سلطه جهان با امریالیسم دانست نه چیز دیگر.

همچنین آن که بتواند به اتحاد چاهای شوروی حمله ور خواهد شد. او می گفت همزیستی مسالمت آمیز میان سوسیالیسم و سرمایه داری نمی تواند برای مدتی طولانی وجود داشته باشد، چرا که امریالیسم ماهیتا تجاوزکار و دشمن سوسیالیسم است.

یکی از جنبه های دیگر رویزیونیسم مصلحت طلبی است. همزیستی مسالمت آمیز لنین است. رویزیونیستها با تحریف اندیشه لنین و وارونه ساختن جوهر سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین و دیگر رهبران حزب بلشویک، به نفع انقلاب و تبلیغ گذار مسالمت آمیز برخاستند. ما در این جا برای روشن شدن مطلب، مفهوم سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین را با اختصار توضیح می دهیم و آن را با همزیستی مسالمت آمیز رویزیونیستها مقایسه می کنیم تا روشن شود که این دو «همزیستی مسالمت آمیز» نه تنها هیچ شباهتی بهم ندارند بلکه با یکدیگر متضادند.

در این شماره دیدگاه کسانی که «انباشت» را با «سرمایه داری» برابر می گیرند مورد بحث قرار می دهیم. در دهه ۱۹۳۰ که بنای صنایع سنگین شوروی ریخته می شد، رویزیونیستها (مقصود حسان رهبران سوسیال دموکراسی است) که سالها بود نظریه «گذار مسالمت آمیز و پارلمانی» را تبلیغ می کردند با خوشحالی مدعی شدند که دلیل دیگری برای اثبات نظریات خویش پیدا کرده اند. این دلیل چه بود؟ تلاش روسیه شوروی در جهت تراکم و توسعه صنایع و وسایل مولد و آهنک سریع صنعتی شدن در دهه ۱۹۳۰ برای مدتی کوتاه به این آئین سطح زندگی مردم روسیه انجامید.

پس از یک میلیارد تن از خلقهای مستبدانه مستعمرات بردولتهای امریالیستی سال به سال، ماه به ماه و هفته به هفته فرونی می گردید. بنا بر این به روشنی می بینیم که لنین قبل از هر چیز، دلیل عدم حمله امریالیستها به دولتهای سوسیالیستی را تشدید تضادهای میان امریالیستها و نیاززده روزافزون کارگران و خلقهای زیر سلطه جهان با امریالیسم دانست نه چیز دیگر.

● رویزیونیستها زیر شعار همزیستی مسالمت آمیز لنینی به نفع انقلاب، به تبلیغ گذار مسالمت آمیز و سازش طبقاتی پرداخته اند و این سیاستی است که اساساً با همزیستی مسالمت آمیز لنینی مغایر است.

لنین برای این اعتقاد بود که اعلام سیاست همزیستی مسالمت آمیز برای اثبات صلح دوستی دولت سوسیالیستی و برای جلب خصمیت کارگران و زحمتکشان کشورهای امریالیستی ضروری است.

لنین برای این اعتقاد بود که اعلام سیاست همزیستی مسالمت آمیز برای اثبات صلح دوستی دولت سوسیالیستی و برای جلب خصمیت کارگران و زحمتکشان کشورهای امریالیستی ضروری است.

لنین، برنامه نظامی انقلاب پرولتاری (لنین پیش نویس کرد که در این صورت، کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری و پیش از سرمایه داری باید برای مدتی در کنار هم زندگی کنند.

بدون تردید برای تحکیم مبانی سوسیالیسم و ایجاد و گسترش صنایع سنگین و مکانیزاسیون کشاورزی در نخستین کشور سوسیالیستی جهان، به ویژه دهه ۱۹۳۰ که هنوز ساله مرگ و زندگی دولت سوسیالیستی به شدت مطرح بود باید سهم بیشتری از محصول کار اجتناب به «انباشت» وسایل تولید یعنی به گسترش صنایع و کشاورزی اختصاص داده می شد و همانگونه که مارکس و انگلس بارها نشان داده اند و ما تنها به یک نقل قول از «نقد برنامه گوتاه» اکتفا کردیم، بدون اختصاص دادن سهمی از محصول کار اجتناب از کارگران برای گسترش صنایع و کشاورزی، امکان تمکیم و پیشرفت سوسیالیسم و بطور کلی امکان وجود یک کشور سوسیالیستی محال است. فقط آنان که انقیاد اقتصاد سیاسی را ندانند آنها که به نهایت درجه حقاقت رسیده اند و یا آنها که با شیادی و شینده بازی در پی فریب کارگران و توده های زحمتکش هستند، آنان که سنگ مارکسیسم را به سینه می زنند اما به امریالیسم خدمت می کنند، ممکن است این «انباشت» وسایل تولید را با سرمایه داری یکی بگیرند.

پس از یک میلیارد تن از خلقهای مستبدانه مستعمرات بردولتهای امریالیستی سال به سال، ماه به ماه و هفته به هفته فرونی می گردید. بنا بر این به روشنی می بینیم که لنین قبل از هر چیز، دلیل عدم حمله امریالیستها به دولتهای سوسیالیستی را تشدید تضادهای میان امریالیستها و نیاززده روزافزون کارگران و خلقهای زیر سلطه جهان با امریالیسم دانست نه چیز دیگر.

اعتصاب دو میلیون کارگر در انگلستان

اعتصاب دو میلیون کارگر در انگلستان در روز ۵۵ و ۵۶ کارکنان بخش عظیمی از صنایع انگلیس دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که توسط اتحادیه های کارگری انگلیس صورت گرفت حدود ۲ میلیون کارگر بخش صنعتی انگلیس را شامل شد.

بزرگترین اتحادیه کارگری آمریکا خواستار ملی شدن نفت در این کشور شد

اتحادیه کارگری ایل - سوک بزرگترین اتحادیه کارگری آمریکا است خواستار ملی شدن منابع نفت در کشور شد و اعلام کرد رهبران این شرکتها از قدرت خود برای نفع شخصی استفاده می کنند.

اخبار خارجی

اتحادیه های نیکاراگوآ اعلام کرده اند که از موسسات سنتی که کار خود را در مدت زمانی حتمی آغاز میکنند تحت کنترل دولت درخواهند آمد سختگوی اطاق صنایع نیکاراگوآ ضمن اعلام این مطلب گفت تاکنون شش درصد موسسات سنتی ماناگوآ کار خود را آغاز کرده اند. اما بسیاری از موسسات آنچنان در جریان انقلاب آسیب دیده اند که بازگشایی آنها مدتی طولانی وقت می گیرد.

رفقا و هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات اقتصادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.
تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهکده (میکند سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
تلفن ۵۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن به ستاد از ساعت ۲ الی ۸ عصر)
آدرس بانک - تهران، بانک ملی ایران شنبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۰۹۸
بنام عباس فضیلت کلام.
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم پیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.
شماره حساب احوال - ۴۹۹۲ -
بانک تهران شعبه مرکز
محمد ابراهیم اکبری

زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

حمله به خرمن، غلات و محصول روستائیان در دیوان دره

دیواندره - ناصر عرتی با صد مزدور مسلح گند دهقانان تازه آباد را به بیضا می برد. ناصر عرتی یکی از مالکان بزرگ دیواندره از سال ۱۳۴۵ تاکنون، با حمایت ژاندارمها و سایر ادارات دولتی زمینهای اغلب دهقانان را غصب کرده و هر ساله برای غارت روستائیان، هنگام درو و خرمن به آنها هجوم آورده و هت و بهت آنها را به بیضا برده است. اکنون نیز طی چند روز گذشته، تا بیجا صد نفر مزدور مسلح و آوردن چند دستگاه کباین شروع به درو کردن گندمهای دهقانان تازه آباد کرده است. دهقانان که اکنون دیگر حاضر به تسلیم در مقابل زورگویی مالکان بزرگ نیستند دست به مقاومت می زنند. افراد ناصر عرتی شروع به تیراندازی می کنند که منجر به زخمی شدن ۲ نفر می شود. افراد ناصرخان زیر آتش تیراندازی کساعتها ادامه داشت، مقدار زیادی از گندمهای درو شده را به غارت می برند.

دهقانان روستای حسین آباد:

دولت مانع حفر کردن چاه برای آبیاری زمین خودمان است

زردن ساوه - درگیری بین دهقانان قهر حسین آباد با شخصی بنام احمد اعتادی که مقدار زیادی زمین را از زمان رژیم شاهنشاهی غصب کرده، شدت پیدا کرده است. احمد اعتادی که اصلا ساکن ده نیست و چند منبع درآمد دارد، مالک مقداری زمین در جنوب حسین آباد است. و مقدار زیادی زمین در شمال ده را نیز به تصرف خود درآورده است و بنا حفر دوچاه در زمان شاه مخلوع، گذشته از زمین غصبی قبلی از زمینهای روستائیان را هم تصاحب کرده است. تصاحب زمین روستائیان با این ترتیب بوده که چون آنها نمی توانستند سهم خود را برای حفر چاه بپردازند، مجبور می شوند زمین خود را به احمد اعتادی واگذار کنند. البته احمد اعتادی با سوء استفاده از سادگی و بی اطلاع بودن روستائیان هزینه حفر چاه و در نتیجه قیمت سهام را خیلی بیش از حد واقعی آن اعلام کرده بود. از طرف دیگر چند سال قبل، اداره جنگلداری، مرتع و زمینهای دیم روستائیان را که سالهای سال مورد استفاده آنها بود تحت کنترل گرفته مانع استفاده روستائیان از این حق طبیعی شد.

روستائیان پس از قیام شکوهمند بهمن ماه تصمیم گرفتند زمینهای دیم خود را دوباره مورد استفاده قرار دهند. آنها بعد از تقسیم این زمینها، با حکماری و خودیاری شروع به حفر یک حلقه چاه برای آبیاری کردند. اما احمد اعتادی با استفاده از نفوذ و قدرت مالی با کمک ژاندارمیری در سد برآمد که این زمینها را نیز تحت اختیار خود درآورد. روستائیان که در زمان رژیم شاه خائس برای استفاده از مرتع و زمینهای دیم بارها با مامورین زورگوی شاهجه ژاندارمیری و به جنگلداری درگیری داشته اند، اکنون نیز بر اثر احوال نفوذ اعتادی غاصب، تحت فشار آزارمومورین ژاندارمیری مامومین و ساوه قرار گرفته و بارها بوسیله پاسکابازداشت شده

مردم زحمتکش جنوب غربی اراک با مشکل بی آبی روبرو هستند

اراک - زمانی که حتی یک «خرده» سرمایه دار، با خرفانه صدها هکتار زمین مزروعی را مشروب می کند آیا دولت قادر نیست آب آشامیدنی یکجمله را تامین نماید؟ مردم زحمتکش «محله فوتبال» در جنوب غربی اراک که از پرجمعیتترین محلات این شهر می باشد با مشکل کم آبی روبرو هستند. مشکل این محرومان در تابستان با قطع کامل آب غیر قابل تحمل می شود. مردم محله که اکثرا روستائیان کوچ کرده به شهر هستند و بیشتر در کارهای ساختمانی، به کارگری مشغولند در سالهای گذشته همیشه با سازمانهای آب و برق درگیری داشته اند. مردم محله فوتبال انتظار داشتند که این مشکل پس از سرنگونی شاه و روی کار آمدن دولت جدید حل شود، لیکن بعد از ماهها انتظار هنوز نتیجه ای نرسیدند. مردم محله بالاخره بوسیله چهار نفر نماینده انتخابی خود مشکل بی آبی را با رئیس سازمان آب اراک در میان گذاشتند. اما مسئولین

دهقانان منطقه سنجابی:

خانها و چپاولگران سلاح بدست بار دیگر به زورگویی پرداخته اند

پس از پیروزی قیام خوین غلتهای قهرمان ایران که به قیمت خون دهها هزار تن از محرومترین و زجر کشیده ترین مردم ایران تمام شد، فرصت طبلان ریاکار که تا پیش از قیام، هنگامی که مردم برای بیرون راندن استبداد واپسریالیسم درخون می غلظیدند، با دشمنان مردم و جایکاران رژیم سابق بر سر یک سفره غذا می خوردند و در جنايتها پارتان میکردند، و یا در خارج از ایران و در آرامش بسر میبردند با نفوذ در کمیتهها و همکاری با به قدرت رسیدگان هنوز هم همان نیت ضد مردمی خود را دنبال می کنند. عسکرخان سنجابی یکی از اینگونه فرصت طلبانی است که سالیان دراز خون دهقانان رنج کشیده کرد را میکشد. استبداد رژیم پیشین همواره از دوستان نزدیک استبداداران وقت کرمانشاه و فرماندهان ژاندارمیری و همکاره حزب رستاخیز در منطقه سنجابی و



در مجلس خبرگان باید کسانی انتخاب شوند که درد کارگران و زحمتکشان را بفهمند

از حرکت تانکها بسوی شهر سنندج میگردد. این نتایج است که مسئولیت تمامی آن به عهده دولت می باشد. شرایطی را فراهم کرده بود که در آن نیروهای ترقی فرست تبلیغات و حتی برگراری میتنگی را نداشته و علاوه بر اینها در تاریخ ۵۸۲۵۶۶ داروسته مرتجع و جناب بخت مفتی زاده دست به اشغال رادیو تلویزیون زدند و بدینصورت این وسائل ارتباط جمعی هم بدست مرتجعین افتاد و آخرین فرست که نیروهای خلقی میتوانستند تاحدودی در رابطه با مجلس «خبرگان» از طریق رادیو و تلویزیون در شهرها و روستاها (بخصوص در روستاها) به توضیح و تشریح چگونگی آن بپردازند سلب شد و خلاصه اینکه هیچ امکان تبلیغاتی و افکارگانه ای برای نیروهای انقلابی بجای نماند و نیروها با هدف افشای ماهیت دولت و قانون اساسی در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرده بودند، استفاده دادند. این بار کنترل تبلیغات و تعیین حوزههای رای گیری توسط فرمانداری صورت گرفت و فرماندار آگاهانه اسامی کسانی را که قبلا اشغال داده بودند، روی پلاکاردی نوشته و بدون هیچگونه توضیحی در معرض دید مردم قرار میداد و این امر باعث میشد که بعضی از نیروها باین افراد که اشغال داده بودند رای دهند. فرماندار از معرفی کاندیداها باین دلیل که اگر آنها را معرفی کنیم باعث تبلیغات برای این افراد میشود، خودداری کرده و با ساطع میخواست با این عمل خود را بیطرفانه نشان دهد! اما آگاهانه با این کار مانع گشته است که مردم

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

یکی از طرفداران قانون اساسی و رژیم سابق بوده و در حدود چند صد هکتار از زمینهای دهقانان ستم کشیده منطقه را نیز به زور تصاحب کرده است. چنین شخصی که هم اکنون علاوه بر زمینهای مزروعی فراوان، چندین آپارتمان در کرمانشاه و ساختمانی مجلل در قره قیابوند دارد. در حال حاضر در کمیته اسلامی کرمانشاه است و هر روز خوشمرانه به نمایندگی از جانب اهل سنجابی با دولت اعلام هیبتگی می کند. عسکرخان سنجابی در اوایل اردیبهشت ۵۸، حدود ۶۰۰ قبه تفنگبرو از کمیته کرمانشاه تحویل گرفت و آنرا بین مزدوران خود و نیز تعداد زیادی از مالکین سابق تقسیم کرد. او کمک تفنگدارانش، چادرشیتان نزدیک قیابوند را مجبور می کند برایش بیگاری کنند و تازه گنجه هم ۲۵ راس گوسفند از آنها بجزور گرفته است. در روز ۵۸۲۵۶۲ تفنگداران

بقیه از صفحه ۸

یاد رفیق شهید جهانبخش پایداری گرامی باد

* رفیق شهید جهانبخش پایداری در سال ۱۳۴۵ در یک خانواده کارگری در شیبتر پدینا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیبتر به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ بملت ناسعد بودن وضع مالی خانواده اش مجبور شد وارد نیروی هوایی شود. او در قسمت غیر نظامی مشغول به کار شد. در سال ۴۸ در عین اینکه در نیروی هوایی بود به دانشکده تعاون و روستا رفت. در زمستان سال ۵۰ در رابطه با گروهی مستگیر شد و دو سال در زندان بود. در این فاصله پدرش را از دست داد و خانوادهاش احتیاج به کمک مالی او داشتند ولی رفیق پس از آزادی فعالیت خود را از سر گرفت.

چندی نگذشت که مخفی شد و در اواخر سال ۵۳ به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست. در تاریخ ۱۷ مرداد ۵۴ در یکی از دهات اطراف مشهد در جریان فعالیت روستایی سازمان چریکهای فدائی خلق در یک درگیری به شهادت رسید. او پیش از شهادت موفق شد تعدادی از مزدوران رژیم را بکشد. یادش گرامی باد.

مردم مازندران خواهان دستگیری و اعدام قاتلان و نداد ایمانی شدند

● تلویزیون مازندران مصاحبه‌ای با خانواده و نداد ترتیب داد و بعد تهیه کنندگان این برنامه به تهران احضار شدند

قائم‌مهر - شهادت رفیق و نداد ایمانی در قلمشهر و سایر شهرهای مازندران انکساری و سیسی داشته و هفته گذشته گروههای مختلف مردم در دادگستری متضمن شدند آنها طی قلمنامه‌ای خواهان دستگیری عاملین قتل، سبازات مزدوران نظیر ستوان شاکری، انحال کمیته متانگلا و پیگرد گروههای فشار شده‌اند. در همین بیانیه گفته شده است: آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروههای سیاسی باید تضمین شود.

سازمانهای مترقی و گروههای مختلف مردم در بیانیه‌ها و اجتماعاتی که ترتیب دادند ضمن تهنیت از فدایی شهید و نداد ایمانی و یادآوری مبارزات او، از مسئولان خواستند،

دانشجویان ایرانی در خارج پلیس آلمان را محکوم می‌کنند

● دانشجویان ایرانی بخاطر رفقای زندانی خود در تحصن و اعتصاب غذا بسر می‌برند
● دانشجویان از دولت می‌خواهند در این مورد، بجای سکوت اقدام قاطع بعمل آورند

در روزهای اول مردمان، بدنبال اعلام لیست دانشجویانی که در خارج از کشور در خدمت ساواک فعالیت میکردند، و افشاکاری دانشجویان مترقی و مبارز ایرانی در آلمان، پلیس آلمان به دانشجویان ایرانی در آلمان حمله کرد. بعد از شرب و جرح و شکنجه دانشجویان، چندین نفر آنها را بازداشت و پنجاه نفرشان را از آلمان اخراج کرد.

دانشجویان زندانی (از تاریخ هجدهم مرداد) در اعتصاب غذا بسر می‌برند و حال هفده نفر از آنها بسیار وخیم است.

کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی (اتحادیه ملی) تاکنون طی بیانیه‌هایی به این کار فاشیستی پلیس آلمان اعتراض کرده‌اند. دولت ایران خواسته است هر چه سریع‌تر به این مسأله رسیدگی کند اما گویا تاکنون هیچ اقدامی از جانب دولت، صورت نگرفته است. علاوه بر جمعی از محصلین و دانشجویان ایرانی در برلین

معرفی کتاب



«چندی پیش مصاحبه‌ای حاوی نظرات رفیق اشرف دهقانی انتشار یافت... در کتاب پارس به مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی گوش شده است، مواضع و مسأله‌ها را که در مصاحبه مطرح شده بشکافیم... و دیدگاههای نادرست رفیق مصاحبه‌کننده را خاطر نشان سازیم. با این امید که آنچه مطرح می‌کنیم بتواند در خدمت پاسخگویی مسأله نظری جنبش قرار گیرد...»



تدارک برگزاری هفته صمد در تهران و تبریز

کمیته هماهنگی برگزاری هفته صمد در تهران و تبریز طی اطلاعیه‌ای خواستار همکاری کلیه نویسندگان و هنرمندان مشهد و سایر هوستان مبارز برای برگزاری هفته صمد و بهتر شناساندن این مبارز پیششاز شده است. این کمیته در اطلاعیه خود از کلیه کسانی که شعر یا مقاله و اثری از صمد در دست دارند خواسته است یک نسخه از آنرا به دفتر دانشجویان پیشگام دانشگاه تبریز و یا دفتر دانشجویان پیشگام دانشگاه علوم دانشگاه تهران تحویل بدهند.

در مجلس خبرگان باید کسانی انتخاب شوند که درد کارگران و زحمتکشان را بفهمند

روز ۱۲ مرداد ماه، روز انتخابات نمایندگان مجلس خبرگان بود. از روزها قبل از آن، توجه اکثریت مردم به قانون اساسی بود. آنها می‌خواستند بدانند که نمره انقلاب و جنبش شد امپریالیستی آنها در قانون اساسی چگونه است. اصولاً چگونه از منافع زحمتکشان و کارگران دفاع خواهد شد و با مسئله خوب بهختاری خلفها چگونه برخورد خواهد شد؟ مردم مبارز کردستان، حق تعیین سرنوشت را در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک، نه تنها برای خویش، بلکه برای تمامی خلفهای تحت ستم خواستارند.

اما سازشکاران مرتجع وابسته به امپریالیسم، این خواست برحق خلق کرد را که در رابطه با سایر خلفهای تحت ستم ایران سابق است، و ارواره نشان داده و از طریق بلندگوهای خود در سدد تحریف و اکتیبات و پانایال کردن حقوق حقه این خلق تحت ستم برآمدند و برای تشویف و سرکوبی آنها دست به توطئه زدند. قیاده موقت، قودانها و اوباشان را مسلحانه و بطور وحشیانه‌ای بجان مسردم زحمتکش شهر و روستا میاندازند و ارتش را در مناطق کردستان و حساس تقویت می‌کنند و جنگهای خونینی را بر مردم مبارز کرد تحمیل می‌نمایند (سنجج، نندن، سرو و...).

این بار توطئه ارتجاع و امپریالیسم، کشتار و آواره کردن مردم بی دفاع و زحمتکش میروان بود که توسط «پاسداران انقلاب اسلامی» که در تاریخ ۲۳ مرداد ۵۸ صورت گرفت. براساس این توطئه، مردم مبارز میروان آواره گشته و دولت هم بجای توجه به خواستهای آنها و اشاد به مردم، تانک و توپ و ستونهای

فاصله طبقاتی را نمی‌شود ماست مالی کرد

(نقل از نشریه سرخه روجا شماره ۳)

در مملکت ما آقایان زحمت زیادی بپوشان می‌دهند که فاصله کارگر و کارفرما فاصله کار و سرمایه را ندیده بگیریم، می‌خواهند شکاف بین بهره‌کش و بهره‌ده را با حرف پر کنند و دشمنی طبقاتی کارگر و سرمایه‌دار را ماستالی کنند.

می‌خواهند مفتضوهرای کردن کلفت را در کنار کارگر زحمتکش بکنارند. نمونه این تلاش‌های مذمومانه در گزارش زیر مشاهده می‌شود.

این گزارشات توسط رفیق کارگری در اختیار ما گذاشته شده و ما عیناً مبادرت به چاپ این گزارش کرده و خوانندگان نشریه را به قضاوت دعوت می‌کنیم.

یک نفر روحانی در تاریخ ۱۳۵۸/۰۵/۲۵ به کارخانه نساجی شماره ۱ شاهی برای تشکیل شورای کارگری آمده و مطالبی ایراد کرده است. اینکه تشکیل شورای کارگری در داخل کارخانه چه ربطی به مواظ پیدا میکنند مسئله دیگری است.

اما ایشان حرفهای بسیار شیرینی زده‌اند. از جمله گفته است: ما فقط کسانی را که کار میکنند، کارگر نمیدانیم بلکه همه کسانی را که در پی ایجاد نظام نوئی هستند کارگر میدانیم، مثلاً نویسندگان، کارگردان و کارشان نویسندگی است و سخنوران کارگردان و کارشان سخنوری است (منظور از سخنور واعظ می باشد).

بنابر تعریف آقا از کارگر می‌شود گفت که: ترو لخواهرم کارگر است و کارش ترو لخواهری است. سرمایه‌دار هم کارگر است و کارش سرمایه داری است. زمین‌خوار هم کارگر است، و کارش زمین خواری است.

دلال هم کارگر است و کارش دلالی است. آقا در ادامه حرفها برای اینکه دهن همه را ببندد و جای اعتراض باقی نگذارند می‌گوید: «بنابراین پروردگار هم کارگر است.» البته این موضوع را ما تا حالا نمی‌دانستیم که پروردگار هم کارگر است، کارفرمانی دارد و خودش اهل درد است. این خبر باعث خوشحالی ما است برای اینکه پروردگار هم

با انجام کار بر روی آن برای من و شما قابل استفاده شود. مثلاً کارگر با صرف نیرو بر روی پشم و الیاف از آن پارچه می‌سازد که برای شما عبا و عمامه و برای بنده کت و پلوار بشود. بر روی خاک کار انجام می‌دهد و از آن آجر درست میکند تا مصالح خانه راحت شما بشود و...

بنابراین کارگر کجاست: ۱- جز دویازوی خود سرمایه‌ای در جهان ندارد. ۲- مزد بگیر است، از کسی که سرمایه و وسیله تولید دارد مزد میگیرد و نیروی کارش را میفروشد. ۳- کار می‌کند یعنی در جنبش تغییر ایجاد میکند. غیر قابل استفاده را قابل استفاده

کارخانه نساجی شماره ۱

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش